

## ۷- نقش اجتماعی زنان در جوامع بورژوایی: در کشورهای

امپریالیستی از جنگ جهانی دوم به بعد نسبت جمعیت زنانی که خارج خانه شاغل هستند به شدت بالا رفته است. بالا رفتن این نسبت و جذب زنان در تولید اجتماعی، گرایشی در از بین بردن ستم وارد بر زنان در بعضی جوانب به وجود آورده و به آنان تا حدودی امکان استقلال مالی و تماس اجتماعی با بقیه افراد طبقه اشان را داده است. اما این گرایش، زمینه های اصلی این ستم را از بین نبرده است که آن وجود خانواده به عنوان محور کار خصوصی برای باز تولید نیروی کار باشد.

از آن جایی که هنوز مسئولیت نگهداری کودکان و انجام کار "اهل خانه" هم چنان به دوش زنان باقی مانده، باز هم مقدم ترین مسئولیت آنان در زندگی به شمار بیاید. آلترناتیو دیگری وجود ندارد.

دولت خدماتی نظیر مدرسه، مهد کودک، بیمارستان و غیره را برای رهایی زنان از بعضی از این تکالیف که در گذشته در چهارچوب خانه انجام می شدند، به وجود آورده است، اما هیچ یک از این ها، جای آن یک نفر را که مرکز و محور گرداندن خانواده است و مسئولیت سلامت بقیه را در اجتماع به عهده دارد، نمی گیرد. دقیقاً داشتن چنین نقشی است که توان حضور مساوی را در میدان نیروی کار، از بین می برد.

زنان باید از کار خود، نه تنها برای زایمان، بلکه برای تعطیلات مدرسه ای خردسالان خود و مریضی افراد خانواده و از این قبیل نیز مرخصی بگیرند. در واقع، کار کردن زنانی که وابستگی در خانواده دارند، اصلاً به معنای کمک داشتن در زمینه مسئولیت های امور "اهل خانه" نمی باشد، بلکه نشانگر افزایش نیاز خانواده کارگری به درآمد، هم مرد و هم زن می باشد، در حالی که در گذشته، دوره هائی بود که می شد حداقل برای مدتی هم که شده با درآمد یک نفر، همه خانواده زندگی کنند.

زنان بچه دار به خاطر نیازهای اقتصادی خود کار می کنند. کارهائی هم که آن ها می کنند عموماً با مسئولیت آن ها در خانواده تناسب دارد. شیفت های کاری زنان مانند شیفت های شب تا صبح، عصر، ساعت مدرسه- به آن ها امکان ادغام این دو مسئولیت را به قیمت وقت آزادی که باید برای خودشان داشته باشند، می دهد. در خانواده وقتی کودکی مریض می شود و یا بزرگ تری به تدریج به نگهداری بیشتری احتیاج دارد (مانند سالمندان)، عموماً این زنان هستند که باید دست از کار خود بکشند و خانه بمانند.